



مجله نشریه مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران

سال سوم شماره دوم پاییز ۹۷



چارت درسی



هرچه لازم است بدانید



توصیه های سال بالایی ها



انجمن علمی خود را بشناسید



در
این
فصل
میفوانید





بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز : انجمن علمی مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران

مدیر مسئول : میثاق رضاپور

سردبیر : صادق تقوی

تحریریه : معین ورکیانی، کامیار کافی، زهرا محمدی، عرفان امامی، آزاده برابادی، هانیه قاعدی، امین محسنی،

مهشید زندجو، امین طهماسبی

گروه ویراستاری : معین ورکیانی، کامیار کافی، میترا عباسی، زهرا محمدی

طرح روی جلد : علیرضا هوشمند

طراحی و صفحه آرایی : علیرضا هوشمند

نشریه مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران
سال سوم شماره دوم پاییز ۹۵

سفن سردبیر

با عرض سلام خدمت دانشجویان رشته مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران

مفتخریم که با فراهم آوردن شماره هفتم نشریه میم برای شما نو دانشجویان خوش آمد گویی به جهت ورود به دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه تهران و عرض خسته نباشید برای گذر از مسیر پر پیچ و خم مدرسه و کنکور و همچنین سایر دانشجویان عزیزی را که چند سالی را افتخار در کنار بودن با آن ها را داشته ایم را در جهت آشنایی با اطلاعات و اخبار در حوزه رشته مهندسی شیمی و پلیمر و همچنین فعالیت های انجمن علمی همراهی کرده و امیدواریم که به کمک شما نو دانشجویان گرامی بتوانیم به کمک این نشریه راهنمایی ها و مطالب مورد نیاز را در بازه های زمانی مشخص در اختیار تمامی دانشجویان قرار دهیم.

نشریه پیش روی شما حاصل کار چندین ماهه دانشجویان رشته مهندسی شیمی و پلیمر ورودی 96 می باشد که بنابر سابقه هر ساله دانشجویان ورودی هر سال برای نو دانشجویان سال بعدی خود مطالب آموزنده ای را که در دیدگاه اولیه خود از حوزه مهندسی شیمی بدست آورده اند فراهم می آورند .

در اینجا بر خود لازم میدانم که از دوستان دانشجویی که ما را در تدوین این نشریه همراهی کردند : علیرضا هوشمند ، معین ورکیانی ، کامیار کافی کمال تشکر و قدر دانی را داشته باشم.

در پایان از تمامی دانشجویان درخواست می کنیم که با اشتراک گذاشتن پیشنهادات و انتقادات خود با ما و همچنین علاوه بر بروز کردن اطلاعات خود در حوزه رشته مهندسی شیمی و پلیمر ما را در پیشبرد اهداف این نشریه یاری کنید.

صادق تقوی

سردبیر نشریه علمی فرهنگی میم

سخن سردبیر	۲
مقدمه	۳
معرفی دانشگاه + تهران	۵
طنز دانشجویی	۱۰
مصاحبه با سال بالایی ها	۱۴
چارت پیشنهادی انتخاب واحد های تحصیلی رشته مهندسی شیمی	۱۷
چارت پیشنهادی انتخاب واحد های تحصیلی رشته مهندسی پلیمر	۱۸
پاره ای از فعالیت های انجمن علمی	۱۹





مقدمه

ضمن عرض تبریک خدمت تمام دانشجویان محترم

امیدوارم که ایام پسا کنکور(!!!) خوبی رو سپری کرده باشید چون تقریبا هر چیزی در مورد راحت شدن در دانشگاه شنیدید اکثرا باورهای غلطه!

بخشید در ابتدای کار اینقدر رک بهتون میگم ولی انتظار رسیدن به راحتی و تموم شدن درس رو نداشته باشید چون تازه شروع کارتتون از اینجاست و متوجه میشید تا قبل از این اصلا درس نخوندید!

خب این بخش ناامیدکننده قضیه، و اما از بخش امیدوار کننده اینکه دانشگاه واقعا بهترین محل برای پیشرفته و آگه به درستی و با مشورت با افراد آگاه و باتجربه در این مسیر جلو برید به بهترین موقعیتها و اهدافی که دارید میتونید برسید، دانشگاه محل پیشرفت شماست از هر نظری که فکر کنید و محل ناپودی هم می‌تونه باشه البته این بستگی به شما داره که چه مسیری رو انتخاب می‌کنید.

شما می‌تونید از نظر فکری و اندیشیدن روش‌های نوینی رو یاد بگیرید و با شرکت در بحث‌های استاندارد و هدفدار (که البته اصول بحث کردن در اون‌ها رعایت بشه) پایه‌های فکرتون رو تقویت کنید و نحوه تفکر رو یاد بگیرید؛ می‌تونید از نظر درک اجتماعی و فرهنگی رشد زیادی داشته باشید چون دانشگاه رو میشه نماد انتشار فرهنگ دونست؛ می‌تونید با شناسایی بازار کار آینده خودتون رو در دست داشته باشید؛ حتی می‌تونید با افراد خوبی آشنا بشید که قراره جزو بهترین افراد زندگی‌تون باشند...

تمام این پیشرفته‌ها در دانشگاه ممکنه و فقط و فقط به خودتون بستگی داره که چه مسیری رو در پیش می‌گیرید.

لازم دونستم که چند تا نکته رو خدمت شما دوستان ورودی عزیز عرض کنم:

1. اول از همه اینکه همونطور که گفتم دانشگاه محل پیشرفته، پس اول تمرکزتون رو روی درس بگذارید؛ اشتباه متوجه نشید! نمی‌گم فقط درس بخونید ولی بهایی که به درس میدید بیشتر از باقی چیزها باشه.
2. اکثر شما شاید این تصور رو داشته باشید که با ورود به دانشگاه آدم با تمام هم دوره‌ای‌ها و ... قراره دوست باشه و همه با هم صمیمی باشند

خب این تصور خوبی میدونم تصور قشنگیه ولی عقاید و سلیق افراد متفاوته؛ اونم تو چنین محیطی که از تمام نقاط کشور عزیزمون افراد کوشایی به دانشگاه راه پیدا کردند پس منطقیه که رفتارها و عقاید متفاوت باشه. توصیه من اینه یکم بازتر فکر کنید، هر کسی آزاد هر عقیده‌ای که می‌خواد داشته باشه پس در تلاش نباشید که بخواید عقیده همه رو هم‌رستا با خودتون کنید چون بازخورد خوبی نخواهد داشت.

3. در ابتدای ورودتون ممکنه به دلیل تغییر ناگهانی محیط کمی احساسات جدید مثل غریبی، دلتنگی، دلخوری‌های بدون منطقی و یا احساساتی مثل عشق و علاقه و انزوا طلبی در شما به وجود بیاد،



اینو بهتون می‌گم و می‌دونم گوش نخواهید کرد همونطور که به باقی دوستانم گفتم و گوش نکردند، چون چیزیه که جزو تجربیات لازمه، البته بازم توصیه میکنم منطقی باشید و همیشه روی کاراتون فکر کنید!

جمع کشوری از دانشجو‌ها در ترم اول و دومشون درگیر عشق (چیزی که فکر میکنن عشق باشه) می‌شن و هر چقدر هم بهشون گفته بشه باز هم در این تصورن که این عشق الکی نیست و کاملا واقعی و موندگاره!

واقعا توصیه میکنم اگر می‌خواید عاشق هم بشید، حداقل تا سال دوم یا سوم اینکار رو نکنید چون تو اون زمان به بلوغ بیشتری رسیدید و میتونید عقلانی‌تر تصمیم بگیرید.

باز هم میل خودتونه! ما راه رو گفتیم، شما مختارید که انتخاب کنید!

3. در کنار درس یه سوپاپ تخلیه هم برای خودتون داشته باشید! یکم تفریح هم بد نیست، پیوسته درس خوندن انسان رو تک بعدی میکنه در حالی که شما برای زندگی نیاز به پیشرفت در تمام جنبه‌ها دارید.

4. کلام آخر رو به عنوان یک برادر بزرگتر، نه یک دوست بهتون می‌گم: از رفتن به سمت مواد مخدر بپرهیزید! چیزی به اسم مصرف تفریحانه وجود نداره...

فقط انگیزه ادامه و توان کار و فعالیت رو ازتون میگیره، سعی کنید با راه‌های دیگه خودتون رو آروم کنید (ورزش، مشورت، فکرکردن البته از راه منطقی و دنبال راه حل بودن و ...)

خیلی حرفای نا امید کننده زدم، که آماده باشید

ولی اینقدر که گفتم هم بد نیست، کلی اتفاق خوب منتظر تونه، کلی افراد جدید و جشن‌ها و لحظات شاد و ماندگار...

خیلی حرف زدم سرتون رو درد نیارم، تمام این حرف‌ها رو دوستانمون زحمت کشیدن و با قلم تواناشون به رشته تحریر در آوردند. امیدوارم لذت ببرید!





معرفی دانشگاه + تهران

سلام ترم صفری (!) های عزیز خوش آمدید به دانشگاه خودتون. (مهد پرورش خفن ترین افراد تاریخ ایران)



از اونجایی که وقتی از سردر دلبرائه‌ی دانشگاه رد می‌شید فضای زیبا و سبز روپروتون هوش و حواس براتون نمیداره و همچنین به دلیل درجه ی بالای

خفیت (!) معماری دانشگاه، تصمیم گرفتیم یک سری نکات قابل توجه رو بهتون بگیم که هر دانشجوی دانشگاه تهرانی باید بدونه! بیاید باهم دانشگاه گردی کنیم:

سردر عزیزمون رو که هستون می‌شناسید. هنوزم این سردر از مهمترین انگیزه های دانشگاه اومدن منه. غرور و افتخار و تاریخ ارزش میبازه ☺ ما بجز سردر اصلی چهار تا در ورودی دیگه هم داریم (به تعداد دانشجو های دانشگاه برای رسیدن به کلاس راه وجود داره) که برای بچه‌های فنی در ۱۶ آذر و برای دوستان خوابگاهی در قدس بهترین ورودیه

از اونجایی که بچه های فنی اینترنشنال (!) هستن و رولبط عمومی بالایی دارن و مشتاق دوستن و آشنایی با همه چیز می‌باشند، مسلمه که فقط به دانشکده خودتون پسنده تمیکنند و دوست دارند بقیه جاها رو هم ببینند.

گردش توی دانشگاه چند روزی رو ازتون میگیره. به نظرم بهتره اول با دانشکده فنی خودمون شروع کنیم که در روزهای ابتدایی ترم مثل بعضی دوستان اشنایی سرکلاس‌های سال بالیا نشینین!!!
دانشکده فنی، معماری خیلی فنی‌ای داره که توی همون روزهای اول کاملا ضربه فنی‌تون می‌کنه!

پله های بشمار، راهروهای تودرتو، دوراهی های متعدد!
دانشکده‌مون بزتم به تخته طوری طراحی شده که طبقه اول رو میگردی میگی خب، اوکیه! میری طبقه دوم، میگی صبر کن ببینم! من مگه همین الان اینجا نبودم!!!

اگر توی دوراهی چپ و راست رو اشنایه کنیم به جای سلف سر از آزمایشگاه درمیاین!

در این رابطه باید بگم که کمکی از دست ما برنمیداد! باید به مدت بگذره تا بتونین در این زمینه به خودکفایی برسین!

ولی نگران نباشید. هممون این دوره رو گذروندیم! از پیش برمیاین...
ممکنه روزای اول وقتی توی دانشکده و حومه راه میرید بشنوبد از بعضیا که ما میریم تو کف! یا مثلا من الان نجفم! یا حتی اونا گمن!

در اولین برخورد ممکنه که به عقل و هوش دوستان شک بکنید! ولی باید بدونید که اینجور کلمه‌ها بومی هستن و بیاتر هوش و استعداد سرشار فنی‌ها می باشن! کلمه هایی مثل جلوف، کف، نجف و...!

ممکنه با خودتون بگید اینم کار خودشه! ولی باید خدمتتون عرض کنم که این دیگه کاملا کار خودمونه!

وظیفه‌ی خطیری است بر دوش دانشجویان تا به نسل های بعد از خود آن را منتقل کنند. باشد که برای آیندگان از ما بجا بماند!

کف: کتابخانه فنی؛ کتابخانه ای که کتاب ندارد!
در این مکان میتونید هرگونه فعالیتی بجز درس خواندن انجام دهید. فقط مواظب باشید ته نگیرید که در اینصورت با کفگیر عزیز روپرو خواهید شد.

کفگیر: فرد محترمی در کف که وظیفه‌ی خطیر گهر دادن را بر عهده دارن!



دانشکده فنی



جلوف: جلوی فنی؛ مکتبی برای جمع های دوستانه و بحث‌های دانشجویی و تجدید قوا، با مناظری زیبا و افراد مختلف و مه غلیظ در هوا (!) و دوستی که ابزاری سفیدرنگ در دست دارن. در نظر بنده بخش عمده‌ی آلودگی هوای تهران مربوط به جلوف است! (فنی در مه)
اگر دوستتون رو گم کردید یا اگه دنبال کسی می‌گردید، ضمن حفظ خونسردی، کافی است به جلوف بروید! و با معجزه‌ی جلوف آشنا شوید! همه بچه های فنی در ۹۵٪ مواقع در جلوف هستن. اون ۵٪ هم در راه جلوفن! یا شایدم **نجف** باشند (تزدبک جلوی فنی!)



پف: پشت فنی؛ از سلف یا بوفه فنی می‌تونید از دری که در همان مکان تعبیه شده به پف برسید و از پف دوباره به جلوف، بازجوید روزگار وصل خویش!

کم: کتابخونه مرکزی (درسته ربطی به موارد قبلی نداره ولی دلیل نمیشه که بچه‌های فنی همچین توانایی و استعدادی رو از دانشکده فنی فراتر نبرند!)



حالا کم کم برسیم به معرفی جاهای جذاب دانشگاه و اطراف!
امسال بنا به دلایل متعددی به حساب برای مکان‌های دیدنی باز کردیم و به حساب جدا برای مکان‌های خوردنی! دلایلم واضحه، اونم اینه که بچه ها معمولا در هر حالتی مشغول خوردن هستن! بعد از امتحان میخوای خستگی درکنی؟ بریم به چیز بخوریم! بین کلاسات فاصله هست؟ بریم به چیز بخوریم! کجا؟ بریم به چیز بخوریم! چی؟ بریم به چیز بخوریم! خوب زیاد سرتونو درد نیارم بریم سراغ معرفی...

بخش خوشمزه‌ی ماجرا: دراین زمینه دانشگاه با هدف برآوردن همه سلیقه‌ها، در تنوع و تعدد بوفه‌ها وامثالهم صاحب سبکه!

دوستان گرمی، توجه شما رو به **بوفه و سلف جذاب فنی** جلب میکنم! در اواسط سال تحصیلی گذشته مدیریت بوفه تغییرکرد و به تبع دکوراسیون و دیزاین بوفه هم دگرگون شد! بد نیست اگه سری بهش بزنید. البته به دلایلی فکرکنیم امسال از نعمت این بوفه محروم باشیم.

البته بنظر من اگه به وقت خیلی ضعف کردید کاملا از رفتن به بوفه فنی صرفنظر کنید و بوفه‌های دانشکده های دیگه رو امتحان کنید! چون رسیدن به بوفه فنی از هفت‌خوان رستم هم سخت تره و وقتی به سر منزل مقصود برسید دیگه جونی براتون نمونده که بخواید ضعف هم داشته باشید!

بخاطر همین پیشنهاد بنده اینه که چرخ بزنید توی دانشگاه و بوفه های علوم (با آقا قادر معروف)، ادبیات، زیرج و ایرج رو امتحان کنید.

بوفه علوم

توصیه ویژه اینجانب به شما بوفه ی علومه. دراولین گذرتون به این بوفه متوجه‌گشاده‌رویی کارکنان همراه با لهجه‌ی زیبای ترکی، قیمت مناسب و کیفیت قابل قبول خواهید شد. یک تلوویزیون بزرگ و خوب هم داره که موقع بازی‌های فوتبال به کارتون میاد!



هرجا سخن از خوردن و دور هم جمع شدن باشد، نام **ایرج و زیرج** است که می‌درخشد! اولش ممکنه لمسش براتون عجیب به نظر بیاد، کاملاً هم حق دارید! واسه همین ما معرفی‌مونو با فلسفه‌ی نامگذاری زیرج شروع میکنیم:

اگر سمت راست دانشکده پزشکی رو از روبرو در نظر بگیرید به سری پله رو مشاهده میکنید. همون پله هارو بگیرید برید بالا، به په جای دکه مانند میرسید که اسم صاحبش آقا ایرج! واسه همین به ایرج معروف شده کلا اونجا. حالا از اون پله‌ها به پایین نگاه کنید، اولین کاتکس غذایی رو دیدید؟ زیر ایرجه؟! پس میشه زیرج دیگه!!!

نکته‌ای که قابل ذکرها اینه که مدیریت اون کاتکسی که الان زیر ایرجه عوض شده و ما دوست داریم بهش بگیم زیرج ۲۲ اما چه بلائی سر زیرج قبلیه اومده؟ اونا دم و دستگاشونو جمع کردند و رفتند دانشکده حقوق! به طوری که الان رسماً بوفه‌ی دانشکده حقوق حساب میشن. ولی خجالت نکشید هربار برید قطعاً بچه‌های فنی رو هم اونجا می‌بینید شاید گاهی بیشتر از خود دانشجوهای حقوق!

حالا زیرج چی داره که نقد تعریفشو میکنن؟ خوب جوابش میشه خیلی چیزها! زیرج دانشکده حقوق به دو بخش تقسیم شده: په بخش چیزای پختنیه په بخش دیگش هم واسه نوشیدنی و کیک و اینجور چیزا، تو قسمت اول بهترین ساندویچ‌ها و پیتزاهای دانشگاهو میتونید پیدا کنید که حیاط دل باز و جوی که تو حیاطش وجود داره هم تجربتونو تکمیل میکنه.

تو بخش دوم هم انواع و اقسام نوشیدنی‌ها از اسپرسو و جای گرفته تا آب هویج و آب زرشک و چیزای دیگه رو می‌تونید پیدا کنید. حدود ۱۰ طعم بستنی و انواع کیک‌ها هم هست که خیلی پرمطرفدارند.

خوب به اندازه‌ی کافی از کمالات زیرج ۱ گفتیم! حالا په کم از زیرج ۲ بگیم. اولین خوبی‌ش اینه که خلوت تره، دومین خوبیش املت سوسیس هاشه که خیلی معروفن! پس اگه اول صبحی استادتون په کم زودتر تعطیلتون کرد و خواستید تو زمان باقی مونده تا کلاس بعدیتون په صبحونه‌ای هم بخورید احتمالاً زیرج ۲ گزینه‌ی مناسب تری باشه.

از بحث غذاها و بوفه‌ها که بگذریم، په محوطه‌ها و فضاهای سبزی میرسیم که برای ریلکسیشن دانشجوها فراهم شده!

یعنی لاو گاردن (آل جی) و رپورساید (حد فاصل بین دانشکده فنی و علوم) بهترین مکان‌ها برای تجمعات دانشجویی! از دو نفر تا صد نفر! وقتی دلگیری و تنهات، غربت تمام دنیا، از درب ۱۶ آذر برو خونتون! والا! در اینجور مواقع دانشگاه، موندن هم اگه داشته باشه په الجی و رپورساید نزدیکه رو که ببینید حالتون بیشتر میگیره! از ما گفتن بود...

اخطار جدی: هنگام قدم زدن و گذر از بوته‌ها و درخت‌ها مراقب باشید. شاید دانشجویی مشغول مطالعه‌ی دوتفره باشند!

لاو گاردن یا همون LG!

خوب راستش داستانی که من قراره از الجی براتون تعریف کنم ممکنه په کم متفاوت باشه. چون داستان من و الجی په قبل از دانشگاه برمی‌گرده! قصه از جایی شروع شد که من واسه کنکور حسابی بریدم. هیچ انگیزه‌ای واسه درس‌خوندن نداشتم و مدام داشتم درجا می‌زدم. اونجا بود که دوستم که خودش دانشگاه تهران بود وارد عمل شد با نام جادویی الجی! خلاصه په کم ارزش تعریف کرد و گفتم دانشگاه تهران همچین جاهایی داره، بخون که حتما بری دانشگاه تهران! ممکنه عجیب به نظر برسه ولی خود لاوگاردن په قدری واسم انگیزه ایجاد کرد که تا خود کنکور همراهم بود!

اما برسیم به خود الجی! حقیقت اینه که الجی ته په قشنگی لسته و نه عکساش. یادمه اولین باری که واردش شدم سه تا جنس مذکر رو نیمکت دیدم که هر کدوم په سیگار دستون بود. په کم جلوتر رفتم دیدم این بار دوتا جنس مذکر هر کدوم په آپس یک دستون که بعدها فهمیدم مال زیرج بوده (په زیرج هم میرسیم در توضیحات بعدی!) دوباره په کم جلوتر رفتم دیدیم په سری دور هم جمع شدن دارن تولد میگیرن. خلاصه ما اونجا هرچیزی دیدیم جز لاوا البته جا داره تو پراتز بگم که اون تجربه‌ی اولم بود. ولی خوب گه گاهی اگر احیاناً صحنه‌ای از لاو هم مشاهده کردید تدبیر پدید بازی در نیارید! په قول این اجنبی‌ها:

«keep it cool»

اضافه کنم که واسه دیدن الجی حتما منتظر بهار باشید! توی بهار کلا با وجود بارون‌های بهاری همه چیز توی دانشگاه شیش برابر قشنگ تر میشه! و میتونم بگم الجی تو فصل بهار تا حد زیادی انتظاراتمو نسبت به چیزی که از قبلش تو ذهنم ساخته بودم برآورده کرد. خصوصاً اگه په قهوه با کیک از زیرج بگیرید و برید تو الجی بخورید دیگه نهایت استفاده رو از فضا و حال و هواش بردید.

البته دیدن یابیز الجی هم خالی از لطف نیست... وقتی که تمام محوطه با برگ‌های خشک شده رنگارنگ تزئین میشه و با هر قدم صدای خش خشه که تورو عاشق خودش میکنه...

رپورساید

همونطور که قبلاً اشاره کردم محوطه سبزی ست بین دانشکده فنی و دانشکده علوم (قل فنی)!

فضایی زیبا په ویژه وقتی که جوی هاش پر از آب باشه. اون موقع است که میبینن صدای جاری شدن آب چه آرامشی رو میتونه بهتون بده...

برای دورهم جمع شدنای اکیبی و گپ زدن و خستگی در کردن بعد کلاسها میتونین به رپورساید برین و برای چندلحظه به درس‌ها و مشکلات فکر نکنین و خودتونو په بوی دلنشین چمن‌های نمناک و صدای پرنده‌های بالای درخت بسپرین.

حوض نسبتاً بزرگی وسط رپورساید تعبیه شده که دو ضلعش په موازات دانشکده فنی و علومه و دوضلع روبروی دگه په موازات دانشکده پزشکی و در پشتی مسجد.

لحظات خوب منتظرتون و از همین تاقیه دارن صداتون میکنن...

دانشکده‌ی هنرهای زیبا: جایی که پر از مردماتی زیباست! اعم از دختر و پسر! با سر زدن په این دانشکده کاملاً متوجه جوی متفاوتش با سایر دانشکده‌ها میشید. په قول معروف میبینید کلا فازشون فرق میکنه انگار. زمین فوتبال کوچیکی تو حیاط که گاهی دختر و پسر با هم توش فوتبال بازی میکنن. گریه‌هایی که سرتاسر حیاط دانشکده رو په اشغال خودشون در آوردند و لش کردند! و آدمهایی که همون گریه‌های خسته رو تاز و توازش میکنند تا بیشتر لش کنن! و در نهایت هم دو نفر که رو نیمکت نشستند و ساز می‌زنند. میدون بز (۱۴) هم جزو دیدنی‌های دیگه‌ی این دانشکده‌ست.



اگه حوالی ناهار گذرتون به بوفش خورد هم میتونید قیمشو امتحان کنید چون مزه‌ی قیبه‌ی نذری رو میده.

اما شاید یکی از بهترین قسمتهای این دانشکده زمانی که بچه‌های هنر در قالب امتحان عملی و یا هرچیز دیگه‌ای اجرای زنده میذارن تو سالن دانشکده و شما میتونید په صورت کاملاً مفت و مجانی (!) په په اجرای زنده برید و از موسیقی نابشون لذت ببرید. لذا په نفع‌تونه گوش په زنگ باشید تا اگه همچین برنامه‌هایی بود از دستتون نره!

و در آخر هم میرسیم به نجسب‌ترین قسمت ماجرا یعنی درس‌خوندن! الجی یکی از جاهاییه که تا قبل از تاریک شدن هوا میتونید با په

هندزفری تو گوش بشنید تو هوای آزاد درستونو با خیال راحت بخونید. دیده شده بچه‌ها بازدهشون حتی بالاترم رفته با درس خوندن تو فضای آزاد. دیگه به خودتون بستگی داره که چه روحیاتی داشته باشید. البته الزاماً درس نیست اگه آدم کتابخونی هم باشید می‌تونید از کتاب خوندن تو اون فضا لذت ببرید قطعاً.

په دلیل اینترتسالیته دانشکده فنی (!) یکم از دانشگاه دور بشیم...

امکان نداره که دلتون طاققت بیاره و دوروبر دانشگاه رو نگریدین!

دلیلشم مشخصه: شما په عنوان دانشجویهای دانشگاه تهران این چند سال قراره انقدر حوالی خیابون انقلاب پرسه بزنید که کم‌کم تک تک کوچه پس کوچه‌هاشو حفظ می‌شید.

بعد گذروندن یک ترم احتمالاً په این حرف من میرسید: په اندازه‌ای که انقلاب و حومه کافه داره، دانشگاه تهران گریه نداره!

دونات فروشی سر میدون انقلاب:

این مورد رو بنده په عنوان نویسنده فاجالی تو لیست مکان‌هایی که قرار بود از دانشگاه معرفی کنیم جا کردم!

از طرفی حوالی دانشگاه تهران پره از خوراکی‌های خوشمزه و هوس‌انگیز که هرچند وقت یک بار خودتونو په خوردنشون مهمون می‌کنید و چه بهتر که از همون اول بدونید خودتونو کجاها مهمون کنید که ارزش پول و وقتتونو داشته باشه.

دونات یکی از آپشن‌های شملت که خیلی جاها پیدا میشه. ولی پیشنهاد ما په شما په دونات فروشیه که بین سینما بهمین و ایستگاه مترو قرار داره. ته تنها تنوع دونات‌هاشون خویه بلکه همیشه دوناتشون پخت همون روزه و تازه‌ست. پیشنهاد ما دونات دبل چاکلت! اگه بهشون بگید که دوناتو مجدداً واستون گرم کنن هم که نور علی نور میشه.

البته اولویت اولتون همیشه درس باشه.

با اینکه کلی گفته شد و میشه که درس بخونید و په فکر استراحت پس از کنکور نباشید که نمره‌ها بدجور حالتون رو میگیره هیچ کس گوش نمیده. پس په جای اینکه این یک سال رو دراز بکشید رو تخت خولگاه و از بلیط‌های ۲ سفره تون از تلگرام په اینستاگرام و بالعکس استفاده کنید، دوتا دوست پایه پیدا کنید بزنید برید تهران گردی و گرنه آخر سال په شدت پشیمون میشید...





طنز دانشجویی

حتی شاعر در این مورد می‌فرماید: «پکیشون مهندس با خط کش تی اومده اون یکی ماشین نداره با بی ار تی اومده اون یکی شیمی میخونه مشغوله تو کارخونه و در اخر میفرماد: پکیشون خیلی خوبه همگی بگین ماشالا خدا قسمت بکنه برای شمام ایشالا ...»
و این مهندس بعد از بیمودن ۱۰ ترم شیرین به دنبال کار میگرده ک متاسفانه به علت عدم رعایت دو بند پر اهمیت پاپ مجبور به خرید پراید اقساطی شده و...

متن دوم:

وقتی ازم می‌پرسیدن: «چه درسی رو از همه بیشتر دوست داری؟» می‌گفتم: «شیمی»
بازخوردهای عجیب و تقریباً یکسانی دریافت می‌کردم. نظریه ام این بود که ذهنیت عوام درباره شیمی پیرامون تولید، توزیع و فروش مواد مخدر میچرخه!
اخیرا از آزمایشگاه به علت ضیق وقت مجبور شدیم با روپوش! تا زیرج (ارجاع به بخش معرفی دانشگاه) بریم. در ابتدا فکر کردند دانشجوی پزشکی هستیم بعد گفتیم نه! ما بچه فنی هستیم ((مهندسی شیمی))
دو دقیقه بعد یکی اومد پرسید: خب کدومتون پایه ست آشنیخونه بزنیتم؟! مکان از ما علم از شما (لازم نیست که توضیح بدم آشنیخونه چیه؟) نظریه ام اثبات شد ماشالله همه ((بریکینگ بد)) دیدن



البته لازمه اشاره کنیم ما مهندسمین شیمی علم مذکور رو داریم اگه احساس قلقک کردید مکاتش هم جور بود بسم الله! (تولید مواد مخدر رو میگما!)
نکته مهم که به نوعی رسم هم به حساب میاد، تاکید ما روی لغت ((مهندسی)) که کنار شیمی میاد.
هر موقع هر کس هر جا به اشتباه گفت که تو شیمی میخونی، رگ غیرتتون باد کنه! سرتون رو بگیرید بالا و بگید: ((من مهندسی شیمی میخونم اینا با هم فرق دارن!))

متن اول:

روزی که دانشکده فنی قبول میشین پدرو مادرا فک میکنن که دیگه شما سنگ بر پای فیل زدن و چرخ دنده های صنعت فقط روی انگشتای شما میچرخه و اگه په روز نرید دانشکده چرخ دنده ها از کار میوفته...
اولین تولدی که براتون گرفته میشه په کیک بزرگ براتون میگیرن که روش از اختصارات شیمی استفاده شده(دیدم که میگما! با تم پشلیم پرمنگاتی) با په نوشته روش:

فرزند عزیزم ورودت به عرصه مهندسی و اولین تولدت همزمان با این واقعه رو به بستگان و سایر وابستگان دور و نزدیک (به جز عمه فخری) تبریک میگیرم!!

به میمنت این اتفاق زن عموت برات ماشین حساب مهندسی کادو میگیره و توی راه خونه درحالی که به کیک تولد شما فکر می‌کنه با لبخندی سرشار از نفرت به عموتون میگه: ((با اینکه دانشگاه نرفتم ولی دیدی چقدرررر عالی نیازهای مهندسیو پیش بینی کردم؟)) (اشاره به کادو مذکور) عموتم به زن عموت میگه: ((آره تو همیشه خوب نیازای مهندسی رو پیش بینی میکنی عزیزم...))

ترم اول تو همه کاتال هایی که اسم مهندس شیمی، اپلای و... باشه عضو می‌شین که نکنه خدایی نکرده امتیاز مرحله ای رو از دست بدین!!
حتی تو کاتال چرک نوشته های ((یک شیمیست مریم)) هم عضو میشین و شب وقتی کاتال رو باز میکنن نوشته ۱۸+ :

مهندس چینی که با خلاقیت از دختر مورد علاقه اش خواستگاری کرد، بعد کلیپ رو باز می‌کنن می‌بینن مهندس چینی تمام چراغ های خوابگاه رو خاموش کرده و اونهایی که I love you رو نشون میدن روشن گذاشته...

و با این پیش زمینه وارد دانشگاه میشین...

روز اول دوست عزیزی درحالی که تیشرت رو توی شلوارش کرده با اعتماد به نفس میره طرف خاتوم مظفری و میگه:

((خاتوم مظفری میشه جزوه تربیت بدنیتونو داشته باشم؟)) که خاتوم مظفریم ایشون رو با تمامی نکات کنگفو موجود در جزوه آشنا می‌کنه!
عزیز من یکم خلاقیت داشته باش!!! اینکارا قدیمی شده و در تاریخ په گونه نادر از استگوزاروس(احمق ترین نوع دایناسور) به این شیوه مخ میزده...!

بعد از چند ترم خانواده به این نتیجه می‌رسند که چرخهای صنعت هیچ‌گونه ارتباطی به انگشت‌های فرزندشون نداره و ارزش نامید می‌شن و از اون به بعد واژه مهندس رو در برخی موارد خاص من جمله اشغال خالی کردن و تون خریدن و البته جلسه خواستگاری یکار میبرند ...

طبیعت:

بچه هایی که خسته نیستن که فک کنم بیشتر پسرانمون رو شامل بشه: کوه از پایه درکه شروع کنید و سخت ترش برید درند و کلکچال و داراباد؛ و البته پسرا حتما یک شب وسط ترم که خسته و دلنگ شدید بساط رو جمع کنید برید((بام)) تا صبح بمونید و از آرامش بهره ببرید، و البته میدونم آخرم پاتوق هممون پارک لاله میشه...

بخش مورد علاقه دخترها:

"بازار"

تجربش، بازار بزرگ تهران، پارکینگ پروانه، ...

اگه پایه دارید خیابون گردی رو هم شروع کنید که در فلسفه اون مبدا و مقصد تعریف نمیشه! از پشت صحنه اشاره میکنم که از توجال تا انقلاب (یا ابوالفضل!) امتحان شده و مسیر خوبی بوده. خلاصه گفتنی بود تو خوابگاه نمونید بزنید برید بیرون که سال اول درساتون سادست بعدش به همین لاله هم نمی‌رسید سر بزنید.

این گفتنی‌ها و خودمونی‌های دانشجویی، بعد ازین به عهده‌ی شماست تا به دانشجویهای بعدی منتقل کنید...

خوش بگذره!

اول از همه بریم سراغ دوست داران تاریخ:

کاخ نیاوران و سعد آباد(شمال تهران) و کاخ گلستان(نزدیک بازار) وموزه باغ مقدم(زیر نظر دانشگاه تهرانم هست اتفاقا)

موزه های ملی ایران، سینما، موسیقی، زمان از زیباترین موزه های تهران هستند که حتما باید برید و ببینید.

اگه نیاز دارید با خدای خودتون خلوت کنید:

حرم شاه عبدالعظیم (شهر ری)، امام زاده عبدالله، بی بی زبیده، امام زاده صالح(تجربش) و حرم امام(پهشت زهرا) و...

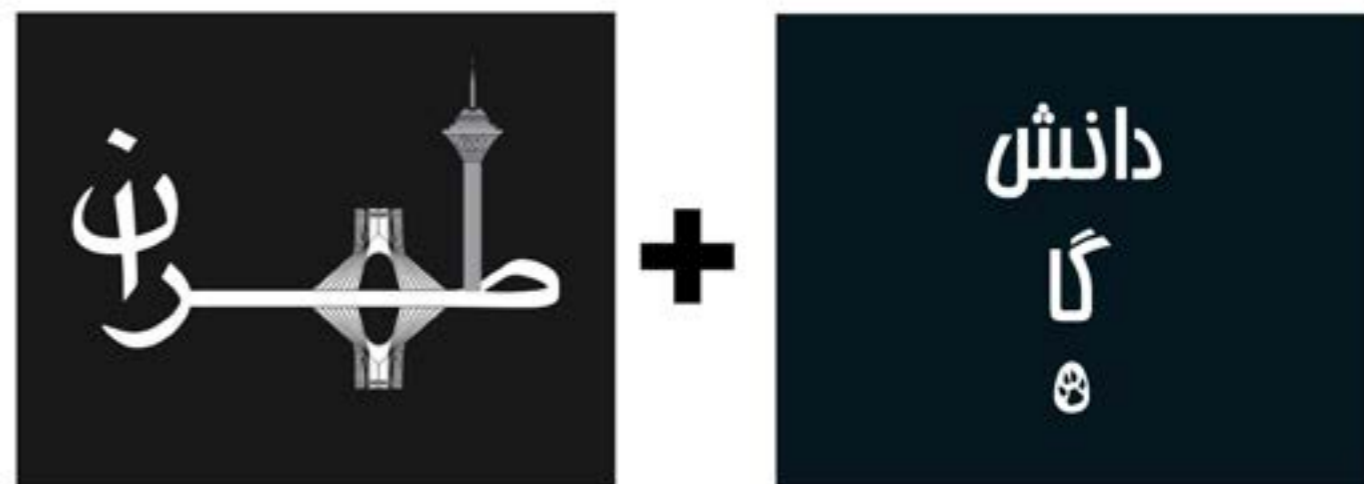
پارک ها و فضای سبز:

و این روهم درک کنید که ((پارک لاله)) تنها پارک تهران نیست !:

پارک قیطریه، پل طبیعت(ایرانی که په عکس رو پل طبیعت نداشته باشه ایرانی نیست) و اطرافش یعنی پارک طالقانی و پارک آب و آتش

پارک امام علی که په درد عکاس‌های عزیزمون میخوره، پارک ملت(بستنی متری‌های خیابون روپروش رو حتما امتحان کنید)

دوستانران هیچانمون که نیاز به گفتن نیست شهرسازی ارم برید په دور سکنه بزنید و په روح من دعا کنید!





متن سوم:

تو دنیا برای وارد شدن به هرمکانی به اولین باری رو باید گذروند که من هم ازش مستثنی نیستم. برای همین منم مثل بقیه افرادی که دانشگاه تهران قبول شدند باید میرفتم دانشگاه ولی فکر به این که وارد جایی میشی. باید آدمای جدیدی رو ببینی و با محیط جدیدی روبه‌رو بشی برای من سخت بود. روز اولی که من دانشگاه اومدم عجیب ترین روز بود (علتش هم چیزیه که الان میخوام تعریف کنم) شاید همه بچه‌ها خیلی مشتاق بودند بدوون دانشگاه چچوریه اما نه من! من میخواستم نامرئی شم انگار نه انگار وجود داشتم برای این که از اول دبستان تا حالا از وارد شدن به محیط جدید میترسیدم. اون روز رو خوب یادمه صبح که از خواب بلند شدم به خودم گفتم ای کاش تو خواب بر اثر ایست قلبی می‌مردم و اینقدر استرس نمی‌کشیدم به سختی بلند شدم صبحانه خوردم و راهی دانشگاه شدم و تو راه چیزی به جز این که دانشگاه چجوری میتونه باشه به ذهنم خطور نمی‌کرد. برای همین اصلا نفهمیدم چی شد یهو به خودم اومدم دانشگاه رو دیدم، جلو دانشگاه ایستادم داخلش که شدم احساس کردم یکی از آثار باستانی دوران قاجار رو مشاهده می‌کنم باغی بزرگ با چندتا آدم که همه ظاهرشیه به هم داشتند؛ آدم ناخودآگاه به این فکر فرو میرفت که نکنه اینجا دانشگاه نیست و من دارم خواب میبینم. کمی که جلوتر رفتم روبروی دانشکده فنی قرارگرفتم که ظاهرش مثل بقیه ساختمانها گچی بود و رویه روی دانشکده به باغ بود که یک حوض بزرگ در اون قرار داشت. بعد از این که از تماشاى دانشکده دست برداشتم تلنگری به خودم زدم و وارد دانشکده شدم. اگر به درصد شک داشتم که دانشکده شبیه آثار باستانییه شکم به یقین تبدیل شد کف پوش سنگی که انقدر ساب خورده بودن که تصویر خودت و توشون میتونستی ببینی و سرسرایى که آدمو میبرد به قدیم. ولی مشکل اصلی من این بود اصلا نمیدونستم همه بچه چه جورى تو این جای به این بزرگی خودشون رو پیدا میکنند چه برسه به کلاسشون. ولی من نمی‌دونستم اسم‌های کلاس‌ها رو میشه تو سایت دید برای همین همین‌جوری شروع کردم به پرسیدن اسم کلاس‌ها حتی اسم استادم نمیدونستم. ازتون پرسیدم کلاس ریاضی کجاست، اونام به کلاس رو بهم نشون دادن گفتن این کلاس ریاضی هستش، من بدونم اینکه بدونم کلاس برای استاد من هست یا نه رفتم سر کلاس نشستم وقتی وارد کلاس شدم همه به جورى به من نگاه میکردند انگار از فضا اومدم سریع رفتم به گوشه نشستم تا استاد بیاد. زمانی که استاد اومد من با خودم گفتم الان حتما مطالب دبیرستان رو مرور میکنه دیگه ولی انگار نه انگار یک سری مطالب گنگ و نامفهوم که تا حالا اسمشونم

متن چهارم:

تشنیده بودم رو شروع کرد به توضیح دادن منم همین جورى حاج و واج به تخته نگاه میکردم بدیش این بود استاد هرچی می گفت همه جواب میدادن اصلا وضع طوری شده بود که دیگه نمیخواستم دانشگاه بیام. بعد اومدم ببینم فقط خودم اینطوریم یا نه رفتم از بغل دستیم پرسیدم شما اینا رو بلدین اونم گفت معلومه هر کی اینا رو بلد نباشه کلاش پس معرکست منم که دیگه آب پاکی رو رو دستم ریخته بودن فقط به تخته نگاه کردم و هیچی نگفتم تا کلاس تموم شه بعدش که از شدت عصبانیت داشتم بر میگشتم خونه دیدم به تابلو که درس‌های پایه رو زده اسم کلاس منم زده بود که شیمی بود منم بدویدو رفتم سرکلاس نشستم تازه فهمیدم کلاس‌های همه استادای یکی نیست تا قبلش فکر نمی‌کردم اصلا کلاس ریاضی رو اشتباه نشستم و به جای کلاس ریاضی یک سر کلاس ریاضی مهندسی نشسته بودم ولی این تجربه خنده دار باعث شد من درسهایی در زندگی بگیرم که هیچ جا دیگه نمیشه گرفت شاید برای همین توصیف دانشگاه سخته چون هر کس به تجربه ای ازش به دست میاره چیزی نیست که بشه توصیفش کرد خودت باید تجربه کنی. شرایط سخت یا آسون، دلچسب یا آزار دهنده همه اینجا وجود دارن ولی این که از خودت نا امید نشی و ادامه بدی و از چهار سال پر فراز و نشیب لذت ببری.

خب میرسیم به خوابگاه که از زبان دو دانشجو اون رو بررسی میکنیم:

اول خاتم (قشر مرفه خوابگاهی)

چند کلمه حرف خصوصی با خوابگاهیا...

سلام...یه سلام ویژه به دخترایی که علاوه بر اینکه دانشگاه تهرانی شدن قراره چهار سال از زندگیشونو توی خوابگاه بگذرونن...

شاید شما هم مثل خود من تصورتون از خوابگاه به اتاق تنگ و تاریک پر از سوسک و مارمولک با چند تا تخت فلزی که وقتی میخوای بنشینى روش صداس تا هفت تا آسمون اونورتر بره! اما باید بگه که دیدتون عوض میشه. نیگم قراره توی قصر زندگی کنید اما اوضاع به اون بدی هم که فکر می‌کنید نیست.

خوابگاه چمران میشه گفت (نسبت به اینکه خوابگاهها) یکی از خفن ترین‌هاست...

اینجا کلی امکانات خوب وجود داره: از سالن آمفی تاتر تا مرکز مشاوره و چند تا باشگاه ورزشی و محوطه ی قشنگی که به منظره‌ی دید لاکچری! (همون برج میلاد از بهترین زاویه) تکمیلش کرده... سوپر مارکت چمران که از شیر مرغ تا جون آدمیزاد رو داخلش پیدا می‌کنین و مغازه‌ی جداگونه لبنیات فروشی که توش میز و صندلی چیدن و ما هم هیچوقت

نفهمیدیم که کدوم آدم عاقلی میره شیر و ماست و بستنی چوبی شو روی میز و صندلی‌های لبنیات فروشی میخوره!!

و آبشار کنار سلف ساختمون 71 و 72 (جهت حال دادن به مظلومان خوابگاهی در روزهای تعطیل) و کلی چیزای دیگه...

خوابگاه چمرانم چند تا ساختمون داره که شما ترم یکی‌های عزیز به مدت یکسال در ساختمون 72 زندگی می‌کنید و هر سال که می‌گذره ساختمون عوض میشه. ساختمون 72 بالاترین (البته از نظر ارتفاع!) ساختمون خوابگاهه و برای رسیدن بهش باید هفت خوان رستمو بگذرونین!! حالا خودتون متوجه می‌شین...

خب...حالا ساختمون 72...اول از همه بگم نگران اینترنت نباشین چون اینترنتش لقمه‌ی هست که شمارو از کارو زندگی و درس خوندن بندازه و بازم حجمش تموم نشه!! این ساختمون کتابخونه هم داره. (اگر یک زمانی خدای نکرده قصد داشتن کمی با درساتون وقت بگذرونین...) یک اتاق تلویزیون هم داره که عمومی و کلی خوش میگذره برنامه دیدن اونجا!..

قطعا آشپزی کردن هم یکی از موارد مهم توی خوابگاه که اگر خولستین معدتتون از غذاهای خوشمزه‌ی سلف استراحت کنه باید برید سرفاش (البته اگر با اجاقی گاز های فضایی از تصمیمتون پشیمون نشید) چرا فضایی؟؟ خوب چون ممکنه بعضی وقتا مجبور بشین کل مدت غذا پختن دکمه ی اجاق رو نگه دارین یا بعضی وقتا با خودتون میگید کلی طول میکشه تا غذا روی این شعله بپزه و میرین و وقتی که برمیگردین چیزی به جز کرین تو قابلمه نمونده حتی پاستا که تا حالا سوختن به خودش ندیده بوده!! بگذریم...

از ((با الله)) گفتنای خنوم سرپرست نگم براتون که ازش در امان نیستید... (مورد دانشیم از درب ورودی خوابگاه تا ساختمون 72 یا الله گفتن!!)

قطعا زندگی خوابگاهی فراز و نشیب‌های دیگه هم داره که خودتون میاید و تجربه‌اش می‌کنید و بعدا این تجربه‌ها توی زندگی به دردتون میخوره. به هر حال همین شیرینی‌ها و تلخی‌هاست که زندگی رو میسازه دیگه... امیدوارم به عالمه خاطره‌ی خوب توی خوابگاه بسازین که اگر چند سال دیگه ازتون پرسیدن حاضرین به این روزا برگردین یا نه بدون معطلی جوابتون مثبت باشه.

حالا آقایون (قشر بدبخت خوابگاهی):

میرسیم به بخش خوب قضیه:

خوابگاه!

در مورد امکانات خوابگاه باید بگم خب اول از همه، همه خوابگاه‌ها آستسور ندارن! و تو این خوابگاه‌ها اگه طبقه‌های بالا رو بگیرد به ادبیات عام باید بگم مجروح میشید...

دوم اینکه اتاقتون در داره، جالب نیست؟ (داخل که برید متوجه میشید این هم حتی امکاناته چون چیز دیگه‌ای نیست حقیقتا)، حتی توش یخچال هم داره که البته عموما برفک زده و اگه از سری قبل چیزی توش باشه، بوی عطر دانهیل هم میده.

سوم: تخت هم داره! که شانس بیارید سالم باشه وگرنه هر شب سمفونی 11 بتهوون (قابل ذکره که بتهوون کلا 10 تا سمفونی داره) اجرا میشه اینجا مکانیکی‌ست که بعد از کلی خستگی روز میخوای بری به استراحت توپ بکنی، ولی نمی‌دونی که بزرگترین بدبختیات از همون جا شروع میشه...

عصر میخوای بخوابی، هم اتاقیت ویالونش رو برمی‌داره شروع میکنه نواختن!!

شب میشه موقع شام، خواب میمونی هیچ‌کس غذات رو نمی‌گیره گرسنه میری تا شب (در اینجا شب یعنی بیشتر شب شده)

میخوای آب بخوری دنبال لیوانت می‌گردی که با مفهوم جدیدی از لیوان آشنا میشی! (تقریبا معادل همه چیز هست!)

حالا بر فرض آب خوردی و از انواع امراض نهفته در لیوان چون سالم به دربردی (مررررررررررر بار میای!)

می‌رسه وسطای شب (دقت کنید ما چند تا شب داریم!)

از بازی با هم اتاقی‌ها که چه کیفی میده و بعضی وقتا به دعوا ختم میشه (گاهی با اتاق‌های کناری حتی!) بگییییییییر تا...

بخش ترسناک قضیه: بازی جرئت و حقیقت!

خب سالیانه طبق آمار رسمی ستاد دانشجویان دانشگاه تهران این بازی تقریبا ۲۸۱۲ نفر (حالا نه اینقدر دقیق!) تلفات جانی، مالی، روحی، درسی و ... داره!!! فقط هر کار میکنید، گوشیتون رو دست هم اتاقی ندید، یا اگه دادید، سریعاً فرم سرپازیتون رو پر کنید که دهنتون ...

و بالاخره پرده‌نهایی این مجموعه رو که بخش خوابیدن به عهده میگیره (بالاخره)

احتمالا موقعی که این قسمت شروع میشه نزدیکای وقت بیدار شدنتونه دیگه پس زیاد جوش نزنید لازم نیست زیاد زحمت بکشید فقط باشید شلوارتون رو ببوشید برید سمت دانشگاه...

اگر خیلی خوش شانس باشید و شب خوابیده باشید (باز هم شب؟! اینجا شب یعنی اوایل صبح مثلا ساعت ۲)

میرسیم به بخش مردافکن قضیه...



بیدار شدن ساعت هفت برای کلاس یک استاد محترم و مودب و مفتخر و معظم و خوشگل و مهربون و... چیزه ببخشیدا کجا بودیم؟
آها ساعت هفت برید سر کلاس، هیچی میرید دیگه! یعنی باید برید! همینکه که هست، گفتم استاد خوشگل بود؟
حالا ولش کن...
بعدا متوجه میشید

متن پنجم!

خاله زنگ بازی دخترا! بدتر از اون پسر!...
طرز فکری که نمیشناسی! که اگه سلام کنی فکر بد میکنه یا نه! چرا فلاتی که سلام نمیکنه ریکوئست اینستا داده؟! چرا فلاتی که این همه گرمه باهات هنوز ریکوئست نداده??
بین میرزا قاسمی و خوراگ بادنجان کدومو رزرو کنی آخرشم بری از بوفه به چیزی بخری...
چجوری مسیر پرپیچ و خم سلف فنی رو پیدا کنی، چجوری تو ساختمون آشناسی گم نشی یا...
چه راهی وجود داره که کلاس هفت صبحتو خواب نمونی یا سرش نخوابی?? وقتی نگاهت با یکی گره خورد باید ادامشو نگاه کنی یا روتو برگردونی؟! میخوام برم بیرون از جلو استاد که درحال تدریس رد بشم زشت نیست؟

"لطفا هنگام ورود به سرویس بهداشتی به دامن دار بودن یا نبودن آدمک توجه فرمایید!!"
مهمه که لباس امروز و فردام به شکل نباشه؟ با مقنعه یا شال??... نتیجه: هر کی ترمکه مقنعه می پوشه!
اگه به یکی از پسر بگم کیفشو برداره که کنارش بشینم عکس العملش چی میشونه باشه؟
چقدررر خجالت آورده که سر کلاس رحلمی دیر اومدم و همه هم دارن درس گوش میدن حالا باید تا ردیف آخر کلاس پواش برم که سرصدا ایجاد نشه؟
چرا رحلمی نمیخنده??... چرا هیچوقت این پسر خواب نمیخونه??...
چجوری با یکی دوست شم؟ من که آخه هیچکس رو نمیشناسم!!
میشه به این آدمها با فرهنگای مختلف و تربیتای مختلف اعتماد کنم؟
پس:

این سوالها رو حتما اولش از خودتون می پرسید، اما چیزی نمیگذره که متوجه میشید این دغدغهها اصلا سوالی نیست که جواب داشته باشه و دانشگاه جای بسیار بزرگتر از این تفکرات کوچیکه !!

راحت باشید، هرچی که دوست دارید بپوشید، با هرکی که دوست دارین حرف بزنید، هرجایی که دوست دارین بنشینید و در نهایت اینکه: دانشگاهو باشید!...

متن ششم!

خب دانشجویها به دلیل تفاوت سبک تربیتی و محیط اجتماعی و ... ویژگیهای متفاوتی دارند پس بزارید اونا رو دسته بندی کنیم انواع بچه ها:

کرم کتاب ها: افرادی که مثل تمساح تمامی جزوات را چندین بار نشخوار کرده، تا سال چهارم باز هم مثل تمساح در زیر آب هستند و دیده نمی شوند و در آخر با خبر رنگ اول بودن یا اپلائی به بهترین دانشگاهها به حال خوب دیگر دانشجویان حمله می کنند.

مرغ عشق ها: افرادی که با تمایل به کامل کردن نصف دیشان یا به دانشگاه گذاشته و هیچ گاه غذای سلف نمی خورند که تمایلاتشان از بین نرود (از این عده دوری کنید)

شیوه شناسایی: در دو هفته اول به تمام پی وی ها سر می زنند!
دسته یافت می نشوندگان! : گروهی بسیار بسیار مغید که هدف از دانشگاه را پژوهش تحقیقات و ارتقا مهارت هایشان (حتی در زمینه گرفتن بال مگس به صورت علمی) میدانند. کلا افراد مغیدین و هر هشتاد سال به بار هم زمان با ستاره هالی ظاهر می شوند.

جلوف نشینان: به علت تفاوت های سطحی خود سه گروه می شوند:
+ عده ردیف نشین، خیره به رویرو، زمزمه کنان با هم، مشغول وظیفه آنالیز زیبایی های خداوندگار...

+ اثنتکث نماه: (فاز سنگین) که با یکی عمیق مثل ... متن های نیچه را برای هم بازگو کرده (یکی نیست بگه ابهت فلاتی تو سیگار برگشه نه بهمی که تو میکشی)

+ متعلقین: کاری به کارشون نداشته باشید توضیح سه بعدی کلمه علاف از لغت نامه دهخدا هستند از هفت صبح تا پاسی از شب بی ازار به گوشه نشستن

شاخ های مجازی: گاها در برخی ورودی ها مشاهده میشن که خب سبک های رفتاری مختلفی دارند، اکثرا عجیب مگه اینکه خلافتش ثابت بشه.

بادی بیلدر: تقریبا همشون پسرها رو شامل میشه (حداقل تو دانشکده فنی) بجههایی که به شدت به فکر سلامتی خودشون هستند و به دلیل عضلات آماده و کمی هم تمرین شاید! هر جا وسیله سنگینی داشته باشید کمک میکنند...

کامپلیت (فراز مینی): نژادی بسیار نادر، هر 10 سال یکبار ظهور می کنند، دارای قلبیت های درس خواندن در حد خفن، کار کردن عین کارخونه، برنامه ریزی محشر، مطالعات غیر درسی و اطلاعات عمومی بالا، و به معنای واقعی کلمه: ((موفق))

توی هر کاری میتونن فعالیت کنن و درست انجامش بدن، روابط عمومی عالی و موجوداتی دوست داشتنی (کاریماتیک!) این گروه رو از دست ندید حتما سعی کنید با اونا دوست باشید!

متن هفتم!

((از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادگاری که در این لابی فنی بماتا!))

اواسط ترم یک بود که متوجه شدم یک کلمه بخصوص رو دارم زیاد می شنوم تو مکالمات بچه ها: ((کراش))
نمی دونستم چیه فقط می دیدم چهره ها با گفتن این کلمه گل می نداخت! بالاخره رفتم پرسیدم:

آقا این چیه شما ها می گین؟
از حالت نگاهشون چند تا فحش جدید یاد گرفتیم!
نمی دونی کراش چیه؟ چجوری زنده ای الان؟ کراش کسیه که تو بهش علاقه داری ولی اون نمی دونه!!!
+ عه! چه جالب! اتفاقا منم از اینا دارم!

همه چیز تو دانشکده داشت عادی پیش می رفت تا این که پدیده ای به نام ((کاتال کراش یابی فنی)) تو پیام رسان (گلاب به روتون روم سیاه) تلگرام ظهور کرد!

در فنی پرتو حسنت ز کراشی دم زد
عشق پیدا شد و آتش شد و همه عالم زد
عشق از زل زل زل سوی کسی پیدا بود

خاک بر دانش و فنی که ز من رسوا بود
سوژه های فوق العاده، دست انداختن پسر! توسط رفیقاشون، جلسات تحلیل و بررسی تخصصی پست های کاتال توسط ((دانشجو)) ها! در روبروساید (رجوع شود به بخش معرفی دانشکده)، تحت این عنوان که:

((الان مشخصات این پیام به کدوم یکی از دخترای رشتمون می خوره!))
دیگه کسی نبود که دربارش حرف نزنه...

جذاب ترین قسمتش استریش بود که تکنه طرف بره از صاحب کتال ببرسه کی این پیامو گذاشته؟ اگه طرف بگه چی؟ حس دوگانه ایه نه؟ (بفهمه یا نفهمه)

انقدر جذاب بود که گسترش پیدا کرد و شد ((کراش یابی دانشگاه تهران))

از فنی رو هنر کراش می زدن به طوری که فاصله دو تا دانشکده رو با اسنپ هم بخوای بری اندازه په دلار باید پول بدی!
ولی خب زمان زیادی هم لازم نبود تا این کاتال توسط دلواپسان منهدم بشه.

چرا این رو مطرح کردم؟ چون عشق جز جدایی ناپذیر زندگیه، معنا بخش، پرمفهوم ... و در عین حال بچه بازی نیست
(تاکید می کنم بچه بازی نیست)

قرار نیست هر کی از در کلاس اومد تو همسر آیندت باشه! دیدم که میگیم! توهم رو بذارید کنار ... خیلی ها در این حین هدفشون رو فراموش می کنند و وقتی به خودشون میان که خیلی دیر شده ...

نمی خوام فاز نصیحت بردارم ولی به عنوان کسی که به قولی تازه سال بالایی شده بگم که در پایان سال اولتون در دانشگاه آدم کاملا متفاوتی هستید درس های زندگی که ارزشش با تمام چیزهایی که تو 18 سال اخیر یاد گرفتید برابری میکنه.

در هر صورت تصمیم با شماست...
من آنچه شرط بلاغست با تو میگویم
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه سال بعد بیا تو نشریه واسه ورودی های جدید بنویس که عاشق نشن!!



مصاحبه با سال بالایی ها

مصاحبه اول:

درباره رشته مهندسی شیمی و دروسش کمی برامون صحبت کنید؟

امیدوارم پیش از قبولی در این رشته با مهندسی شیمی آشنا باشید و واقع بینانه این رشته رو انتخاب کرده باشید. در حقیقت تصور بچه ها از دانشگاه و رشته با واقعیت کاملا متفاوت هست و طی دوران دانشجویی دیدتون نسبت به رشته تغییر خواهد کرد و نسبت به آینده شغلی و مسیرتون اشراف بیشتری پیدا خواهید کرد

در ایران هم بیشتر کاربرد مهندسی شیمی در زمینه نفت و گاز می باشد و چون کشور در زمینه ی صنایع شیمیایی پایه پیشرفت چشم گیری نداشته کمتر در این مورد استفاده می شود. اما الان زمینه های رشته گسترده تر شده و در علوم نوین مانند نانوتکنولوژی و بیوتکنولوژی وارد می شود و این باعث ایجاد زمینه های شغلی جدید خواهد شد و زمینه را برای ایده های خلاقانه فراهم میکند. در مورد دروس مهندسی شیمی هم لازمه بدانید که دو ترم ابتدایی دروس پایه ارائه می شوند و از ترم سه به بعد دروس دانشکده ای با ترمودینامیک و موازنه آغاز می شوند و در ترم های بعد هم دروسی مانند انتقال حرارت و جرم رو می گذرونید که بعد از گذراندن این دروس متوجه اهمیت و کاربرد رشته مهندسی شیمی خواهید شد.

یک ورودی باید چه نکاتی را بدانند؟

یک ورودی باید موارد زیادی را بداند. ابتدا باید درک کند که دانشگاه محیطی کاملا متفاوت با دبیرستان است چه از نظر علمی چه از نظر اجتماعی پس باید نوع رفتار و نگرش و شیوه مطالعه خود را اصلاح کند و لازم است این موضوع رو حتما بدانید که دانشگاه صرفا محل آموزش و درس خواندن نیست بلکه شما باید با ورود به دانشگاه تمام ابعاد وجودی خود را شکوفا کنید و به علایق خود بپردازید و این از نکات اصلی است که یک ورودی باید بداند. نکته ای دیگر این است که اکثر بچه ها خستگی بعد از کنکور را با خود به دانشگاه می آورند و ترم یک و دو دروس را به خوبی مطالعه نمی کنند و شب امتحان با حجم زیادی از دروس نخوانده مواجه می شوند و این امر باعث لغت شدید معدل خواهد شد.

سعی کنید با مکتبها و فضای جدید دانشگاه من جمله سایت، کتابخانه، سلف و... آشنا شوید. دایره اجتماعی خود را گسترش دهید که بعدا با

مشکل مواجه نشوید. کار با سامانه های الکترونیکی دانشگاه را یاد بگیرید که در رزرو غذا و انتخاب واحد و سایر مسائل دچار مشکل نشوید. کتاب نو نخرید و سعی کنید کتابها را از دوستان سال بالایی و کتابخانه فرض بگیرید تقریبا تا ترم ۵ و ۶ نیازی به کتاب نو نخواهید داشت جزوه ها را از زیراکس تهیه کنید. سرکلاس ها حتما حضور داشته باشید چون بخش عمده یادگیری شما سر کلاس شکل می گیرد. سمت دختریات تروید چون دانشجویاتی که وارد این راه شده پس از مدتی پشیمان می شوند پس بهتر از قبل از آنکه پشیمان شوید از آغاز این کار پرهیز کنید.

برای امتحانات حتما نمونه سوال حل کنید چون معمولا امتحان های دروس پایه هر سال تقریبا مشابه یکدیگر هستند. در کلاس های حل تمرین شرکت کنید چون موجب تفهیم بیشتر مطالب می شوند.

کارهایی که ورودی باید انجام دهد که بعدا دچار پشیمانی نشود؟

اکثر بچه ها در طول ترم درس نمی خوانند و پشت گوش می اندازند لطفا درس بخوانید تا معدل خوبی کسب کنید (بعدا به قطع در عدم رعایت این مورد پشیمان خواهید شد) حتما تفریح کنار درس داشته باشید. چون بعد از ۲ ترم دروس سنگین خواهند شد و وقت تفریح نخواهید داشت. دروس علوم پایه را باید خوب مطالعه کنید و ترمه های بالا بگیرید. جوهای مختلفی در دانشگاه شکل می گیرد خود را درگیر نکنید. در دانشگاه حاشیه هم کم نیست به دنبال حاشیه تروید!!! البته بعضی چیزها را خود باید تجربه کنید تا بفهمید .

دانشگاه چه انتظاراتی را مرتفع میکند؟

هر انتظار و تصویری از دانشگاه دارید فراموش کنید چون دانشگاه محیطی کاملا متفاوت و جدید است و با شنیده ها تفاوت دارد. از مواردی که دانشگاه میتواند به شما کمک کند سطح علمی دانشگاه است البته اگر بخواهید واقعا درس بخوانید. از برتری های دانشکده فنی نسبت به شریف و امیرکبیر این است که شما می توانید به علایق خود بپردازید و جو صمیمی و متفاوت را تجربه کنید. همچنین دانشگاه اساتید بسیار خوبی دارد که می توانید در کنار آنها رشد کنید. (به یاد داشته باشید اساتید مانند معلم های دبیرستان نیستند و شیوه برخورد با آنها را یاد بگیرید)!!!

و در آخر برای همه ورودی های ۹۷ آرزوی موفقیت دارم ☺

لطفا در مورد مهندسی شیمی کمی توضیح بدین؟

ضمن تبریک و خیر مقدم خدمت دانشجویان مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران ورودی ۹۷. برایشان در ادامه مسیر آرزوی موفقیت می کنم. امیدوارم همانطور که برای کنکور و قبولی در چنین دانشکده ای تلاش کردند در دانشگاه نیز همان مسیر را ادامه داده و چه بسا بسیار بیشتر از پیش نیز تلاش کنند.

لازمه به شما عرض کنم که دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه تهران یکی از بهترین دانشکده های مهندسی شیمی کشور، با توجه به سوابق و هیئت علمی دانشکده جایگاه خوبی را کسب کرده است.

و اما در مورد مهندسی شیمی:

می توان گفت مهندسی شیمی تلفیق مکاتیک سیالات و شیمی است. در مهندسی شیمی ما به بررسی سیالات و عملیات فیزیکی و شیمیایی ماده می پردازیم؛

این که چطور سیال را انتقال دهیم یا عملیاتی مثل جداسازی و خشک کردن و پودر سازی و...

از جمله درس های اصلی که در این رشته می گذرانیم انتقال حرارت، انتقال جرم، مکاتیک سیالات، عملیات واحد و سینتیک و طراحی راکتور و... مهندسی شیمی شاید تنها رشته ای باشد که با چهار علم اصلی به طور مستقیم در ارتباط است و شما دروس شیمی و زیست (در حوزه داروسازی و بیوتکنولوژی) و ریاضی و فیزیک که قلب تپنده ی دروس این رشته است را مطالعه خواهید کرد و این باعث می شود زمینه های این رشته بسیار گسترده تر باشد.

به نظر شما چه نکاتی را لازم است یک ورودی بداند؟

اولین و مهم ترین چیزی که لازمه دانشجویها بدانند اینه که تصورات قبل از ورود به دانشگاه را دور بریزند؛ تصویری مثل: برید دانشگاه راحت میشه، هروقت خواستید غیبت می کنید و فقط شب امتحان درس می خوانید و... در وضعیت بازار کار امروز برای چنین مهندسانی کار مطلوبی وجود ندارد، مهندس واقعی باید نرم افزار بلد باشد، باید توانایی انجام محاسبات ریاضی پیچیده را داشته باشد و... و چنین اهدافی با صرفا شب های امتحان درس خواندن به ثمر نمی رسد و باید

درس ها را کامل و عمیق بیاموزند اما تفاوتی که میان دانشگاه و دبیرستان وجود دارد اینجاست که شما در دانشگاه دروسی رو مطالعه خواهید کرد که به آنها علاقه دارید.

در ادامه این که دانشجویها باید هیئت های علمی را به لحاظ پژوهشی و آموزشی در زمینه های مختلف بشناسند و راه ارتباط با آنها را یاد بگیرند

بدانند.

دانشجوها در ابتدا باید اهداف خود را مشخص کنند چون طبیعتا نمی توانند در تمامی گرایش ها و شاخه های مهندسی شیمی توانان پیشرفت کنند، لذا باید دروس مورد علاقه ی خود را شناسایی و تلاش خود را در یک زمینه خاص متمرکز کنند، اساتیدی که این دروس را ارائه می دهند بشناسند و زمینه های پژوهشی گرایش مورد نظرشان را پیدا کنند زیرا بخش مهمی از تخصصشان در آینده را شکل میدهد.

توصیه دیگر اینکه دانشجویها حتما دروس ریاضی خود را جدی بگیرند و به یادگیری عمیق دروس ریاضی یک و دو، معادلات دیفرانسیل، ریاضی مهندسی و اهمیت دهند و با مفاهیم آنها کاملا آشنا باشند چون لازمی کار هر مهندسی برای هر فعالیتی است.

اگه برمی گشتید ترم یک چه کار هایی را انجام می دادید؟

درباره اساتید بیشتر تحقیق می کردم و با اساتیدی که خوب درس می دهند واحد برمیداشتم.

بعضی درس ها را ترم آف برمی داشتم مثل ترمودینامیک (البته اگر استاد خوبی ارائه دهد). نرم افزارها رو دقیق تر و کاربردی تر یاد می گرفتم. و حتما دروس پیش نیاز را مفهومی تر مطالعه می کردم.

برنامه های کاربردی رشته تان را معرفی کنید.

Aspen, Fluent, Matlab, Comsol, Excel

هر مهندسی حداقل باید به 3 تا از این نرم افزارها برای بازار کار مسلط باشد.

دانشگاه تهران کدام یک از انتظار اتان را برآورده کرده؟

تفاوت محیط دانشگاه جامع با دانشگاه صنعتی در فضای آن است و دانشگاه تهران به علت جامع بودن جو پویاتری دارد و مثل صنعتی ها مرده و بیروح نیست. سطح علمی دانشگاه در جهان خیلی خوب است به عنوان مثال در رتبه بندی NTU دانشکده مهندسی شیمی رتبه 35 را کسب کرده است

و امکاناتی که دانشگاه در اختیار دانشجویها قرار می دهد (خوابگاه، وام و...) نسبت به دیگر دانشگاه های جامع بهتر است.

به نظر شما چارت پیشنهادی مهندسی شیمی و پلیمر مناسب است؟

به نظرم هرکس باید با توجه به هدف و شرایط خودش تصمیم بگیرد و برنامه ریزی کند. البته جهت دهمی های دانشگاه شاید این آزادی را به دانشجویها ندهد. در حال حاضر چارتهای که برای مهندسی و پلیمر وجود دارد چندان کامل نیست و صحبتی از دروس اختیاری و گرایش ها نشده و خیلی از پیش نیاز و هم نیازها با وزارت علوم تفاوت دارد.



پارت پیشنهادی انتخاب واحد

نمودار پیشنهادی انتخاب واحدهای تحصیلی مهندسی شیمی - دانشکده فنی دانشگاه تهران - آخرین بروزرسانی شهریور ۹۷

ترم اول	ریاضی عمومی ۱	شیمی عمومی ۱	فیزیک ۱	برنامه نویسی	آز شیمی عمومی ۱
ترم دوم	ریاضی عمومی ۲	شیمی عمومی ۲	استاتیک و مقاومت مصالح	معادلات دیفرانسیل	نقشه‌کشی صنعتی
ترم سوم	محاسبات عددی	شیمی آلی	فیزیک ۲	موازنه جرم و انرژی	ترمودینامیک ۱
ترم چهارم	ریاضی مهندسی	شیمی تجزیه	آز شیمی آلی	مکانیک سیالات ۱	ترمودینامیک ۲
ترم پنجم	شیمی فیزیک	آز شیمی تجزیه	مکانیک سیالات ۲	انتقال جرم	انتقال حرارت ۱
ترم ششم	سینتیک و طراحی راکتور	کاربرد ریاضیات در مهندسی شیمی	آز شیمی فیزیک	عملیات واحد ۱	انتقال حرارت ۲
تابستان سال سوم	کارآموزی				
ترم هفتم	دروس گرایش: بیوشیمی، صنایع غذایی ۱	شبیه‌سازی فرآیند به کمک کامپیوتر، صنایع گاز	کنترل فرآیند	عملیات واحد ۲	آز حرارت، طرح و اقتصاد
ترم هشتم	فرآیندهای بیوتکنولوژی، صنایع غذایی ۲	طراحی فرآیند، انتقال و توزیع گاز	آز کنترل فرآیند	آز عملیات واحد	کارگاه عمومی (ابزار دقیق مهندسی شیمی)، پروژه کارشناسی
تابستان سال چهارم	پروژه کارشناسی (تعدد در صورت عدم اتمام در ترم هشتم)				

* دروس عمومی را حداکثر تا ترم پنجم به اتمام برسانید و از ترم ششم به بعد نیز دروس اختیاری را اخذ نمایید.



پارت پیشنهادی انتخاب واحد

نمودار پیشنهادی انتخاب واحدهای تحصیلی مهندسی پلیمر - دانشکده فنی دانشگاه تهران - آخرین بروزرسانی شهریور ۹۷

ترم اول	ریاضی عمومی ۱	شیمی عمومی ۱	فیزیک ۱	برنامه نویسی	آز شیمی عمومی ۱
ترم دوم	ریاضی عمومی ۲	شیمی آلی	استاتیک و مقاومت مصالح	معادلات دیفرانسیل	نقشه‌کشی صنعتی
ترم سوم	محاسبات عددی	شیمی و سنتیک پلیمریزاسیون	فیزیک ۲	موازنه جرم و انرژی	ترمودینامیک ۱
ترم چهارم	ریاضی مهندسی	شیمی فیزیک	آز شیمی فیزیک	مکانیک سیالات ۱	ترمودینامیک ۲
ترم پنجم	خواص فیزیکی و مکانیکی پلیمرها	آز خواص فیزیکی و مکانیکی پلیمرها	سینتیک و طراحی راکتور	انتقال جرم	انتقال حرارت ۱
ترم ششم	رئولوژی پلیمرها	مهندسی کامپوزیت	روش‌های تعیین مشخصات مولکولی پلیمرها	عملیات واحد ۱	انتقال حرارت ۲
تابستان سال سوم	کارآموزی				
ترم هفتم	اصول مهندسی پلیمریزاسیون	مهندسی پلاستیک	مهندسی الاستومر	عملیات واحد ۲	آز حرارت، طرح و اقتصاد
ترم هشتم	کنترل فرآیند	کارگاه فرآیند پلیمرها	کارگاه عمومی (ابزار دقیق مهندسی شیمی)	آز عملیات واحد	پروژه کارشناسی
تابستان سال چهارم	پروژه کارشناسی (تعدد در صورت عدم اتمام در ترم هشتم)				

* دروس عمومی را حداکثر تا ترم پنجم به اتمام برسانید و از ترم ششم به بعد نیز دروس اختیاری را اخذ نمایید.

مهندسی شیمی

مهندسی پلیمر



برگزاری دوره های تخصصی آموزشی و بازدید های متنوع از صنایع

برگزاری دوره های تخصصی آموزشی و بازدید های متنوع از صنایع



بازدید از تصفیه خانه فاضلاب جنوب تهران



بازدید از شرکت نفت پارس



کنفرانس مدیریت اقلیم



بازدید از شرکت نفت پارس



دوره های تخصصی آموزش نرم افزار



بازدید از شرکت بهنوش



بازدید از شرکت نفت پارس



بازدید از شرکت نفت پارس





نشریه دانشجویی میم

دانشکده مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه تهران



www.sache-ut.ir
[@SaCheEng_ut](https://twitter.com/SaCheEng_ut)